



سال ..... با پدر و مادر و خواهرم به ..... امام ..... (ع) رفته بودیم .

پدرم گفت : « در نزدیکی مشهد ، شهر ..... توس ، آرامگاه فردوسی ، ..... بزرگ  
ایران ، قرار دارد . خوب است برویم و آن جا را هم ببینیم . »

چند روز بعد ، به توس رفتیم . ..... مشهد تا شهر ..... زیاد نبود . وقتی به

آرامگاه فردوسی رسیدیم ، ..... زیادی را در آن جا دیدیم . یک نفر ..... برای

ما ..... می کرد . او می گفت : « فردوسی ، ..... سال ..... کشید تا  
را نوشت .

بسی رنج بردم در این سال ..... زنده کردم ، بدین .....

شاهنامه کتاب با ارزشی است که در آن داستان های زیادی در ..... ایران و  
پهلوانان آن می خوانیم . رستم ، بزرگ ترین ..... داستان های شاهنامه است .

فردوسی این داستان ها را ..... کرد و ..... بسیار ..... به شعر پدید آورد تا  
زبان فارسی را که امروز با آن ..... می زنیم ، زنده نگه دارد . «

پی افکندم از ..... ، کاخی بلند ..... که از باد و باران ، نیابد گزند

..... آباد گردد خراب ..... ز باران و از تابش .....

راهنما ، با خواندن این شعر از ..... ، با ما ..... کرد ، هنگام برگشتن از توس ،

پدرم ..... داد ..... از داستان های ..... را برایم ..... کند .

« موفق باشی گلم »